

اخبار کاریگری

تجمع کارگزاران صندوق بیمه کشاورزی در تهران

سرویس کاریگری: جمعی از کارگزاران صندوق بیمه کشاورزی از سراسر کشور دیروز به تهران آمدند. این کارگزاران ایتدامقابل ساختمان مجمع تشخیص مصلحت نظام و پس از آن، مقابل ساختمان اصلی بانک کشاورزی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، خواسته اصلی بر گزار کنندگان تجمع، تصویب و اجرای هر چه سریع تر «طرح جذب کارگزاران در بدنه دولت» است. آنها می گویند: طرح جذب ما سه بار از مجلس به شورای نگهبان رفته و باز گشته، دوبار هم در مجمع تشخیص مصلحت نظام طرح شده اما متاسفانه هنوز به تصویب نرسیده است. این بیمه گذاران که از بیمه و مزایای شغلی بی بهره هستند و تعدادشان در سراسر کشور چند هزار نفر است، می گویند: چرا طرح جذب این همه نیروی مخلص که برای کشاورزی و سازندگی ایران تلاش می کنند، تصویب نمی شود. ما از مجمع تشخیص مصلحت می خواهیم با اقتدار و مسئولیت، به مساله ورود کرده و مشکل با تکلیفی شغلی ما را حل کند.



عضو کمیسیون اقتصادی مجلس:

همسان سازی حقوق باز نشستگان در لایحه بودجه گنجانده شود



عضو کمیسیون اقتصادی مجلس می گوید: باید همسان سازی حقوق باز نشستگان در بودجه سنواتی دیده شود و اگر دولت به دلیل کسری بودجه وضع بد اقتصادی امکان پرداخت آن را ندارد، به دیونش اضافه شده و در سال های بعد آن را پرداخت کند. تقی کبیری بابیان اینکه همسان سازی حقوق باز نشستگان در مجلس دهم نهایی شد، اما در راه اجرای آن موانعی وجود دارد، افزود: به نظر می رسد اصل موضوع همسان سازی حقوق باز نشستگان مورد توافق است. مطلع هستیم که هزینه های باز نشستگان زیاد است و مستمری در یافتی کفاف زندگی بسیاری از آنها را نمی دهد. یک باز نشسته چه در زمینه تامین مسکن، چه در زمینه هزینه های جاری و به طور کلی در مخارج خود مشکلاتی دارد که از طریق همسان سازی حقوق می توان بخشی از آنها را رفع کرد. وی ادامه داد: اگر همسان سازی حقوق، وجود توافق بر لزوم اجرای آن همچنان محقق نشده به دلیل این است که ساز و کار مناسبی برای اجرای آن وجود نداشته است. به عبارت دیگر لازم بود دولت در بودجه سالانه خود به همسان سازی حقوق توجه نشان داده و ردیفی را برای اجرای این طرح در نظر بگیرد. این نماینده مجلس در باره اینکه مشکل مطرح شده این است که بودجه لازم برای اجرای این طرح وجود ندارد و اگر در لایحه بودجه هم چنین چیزی لحاظ شود در نهایت محقق نمی شود، گفت: باید توجه داشت که دولت عنوان می کند به دلیل کسری بودجه توانایی همسان سازی حقوق باز نشستگان را ندارد. کسری بودجه و به صورت کلی شرایط بد اقتصادی دولت در مقطعی که فشار هاتش دیده و مشکلات اقتصادی وجود دارد اتفاق می افتد.



۱۵ میلیارد تومان تسهیلات به آذرباد داده می شود

استاندار مرکزی آخرین تصمیمات و برنامه های دولت برای خروج شرکت صنایع آذرباد از چالش های اقتصادی را تشریح کرد. سیدعلی آقازاده گفت: ظرف سه ماه آینده سهام بانک کشاورزی در صنایع آذرباد در بورس عرضه می شود. پرداخت حقوق معوقه شهرپور و مهرماه امسال کارکنان آذرباد در روزهای آینده انجام می شود و قرار است که بانک کشاورزی ۱۵۰ میلیارد ریال تسهیلات برای پرداخت حقوق، تامین مواد اولیه و سرمایه در گردش در اختیار آذرباد بگذارد. وی افزود: با توجه به اینکه شرکت مینا تمایل چندانی برای خرید ۳۱ درصد سهام بانک کشاورزی مربوط به شرکت صنایع آذرباد ندارد، قرار است که ظرف سه ماه آینده این سهام در سازمان بورس بر اساس ضوابط حاکم بر بازار بورس و اوراق بهادار عرضه شود و افراد یا واحدهای تولیدی که از اهلیت لازم برخوردار هستند، واگذار شود. استاندار مرکزی خاطر نشان کرد: پیش بینی می شود تا سه ماه آینده ۳۱ درصد سهام آذرباد که اکنون در اختیار بانک کشاورزی است با این مصوبه تعیین تکلیف شود اما تا آن زمان مدیریت کنونی وظیفه دارد نسبت به دریافت مطالبات این واحد تولیدی از شرکت ها و واحدهایی که با آذرباد قرارداد کاری داشته اند اقدام کند و از این محل مواد اولیه لازم را تامین و حقوق پرسنل را پرداخت شود.

زمانی حمالی یک کار محسوب می شد اما در حال حاضر در آمد کم است. از صبح تا دم غروب منتظر می مانیم که مشتری پیدا شود. دولت مدام می گوید که شغل ایجاد کرده ایم. اشتغال روستایی، وام و... همه و همه حرف است

است. الان ۸ سال می شود که در بازار تهران کار می کنم. در همین حین گوشی محمد زنگ می خورد و می گویند که برای حمل بار باید به فلان مغازه برود. من هم با او همراه می شوم. با هزاران سختی از میان جمعیت عبور می کنم. بالاخره به یک مغازه چینی فروشی می رسیم. آقا و خانمی که مشخص است برای جهیزیه دخترشان یک دست سرویس چینی خریده اند منتظر گاری هستند تا کارتن های چینی و یک سرویس قاشق و چنگال شان را روی آن بگذارند. آقایی که معلوم است پدر آن خانواده است جلو می آید و به محمد کمک می کند تا کارتن ها را روی گاری بگذارد. آرام این کار را انجام می دهند که میداد چینی ها بشکند. بعد محمد به روشی کاملاً حرفه ای بار را طناب پیچ می کند؛ طوری که به نظر نمی رسد زلزله هم بتواند آن را از روی گاری بیندازد. صاحب بار از محمد می پرسد: چقدر می گیری تا سر خیابان بیاوری؟ محمد می گوید: هر چه کرم شماست. عرف ۳۰ هزار تومان است. شما هر قدر دوست دارید بدهید. صاحب بار قبول می کند و حرکت شروع می شود. جمعیت در دالان ها و راسته های بازار زیاد است و مسیر پر پیچ و خم، باریک و پر از دست انداز. محمد باید خیلی مراقب شکستگی ها باشد. می گوید تا به حال برای خودش پیش نیامده که بار مردم را بشکند یا خراب کند اما این اتفاق برای برخی از همکار هایش افتاده و مجبور شده اند خسارت بدهند. گاهی هم صاحب بار دل رحم بوده و از گناه باریز گذشته است.

سختی های این کار برای همه این کارگران مشترک است، نبود بیمه، نبود قرارداد، عدم ساماندهی در حوزه کاری، نداشتن درآمد ثابت، سختی های بیش از حد کار و... مواردی است که باعث می شود این عده از کار خود ناراضی باشند اما دلیل مشترک آنها برای اشتغال در این کار، نبود کار مناسب است. اثرات منفی پدیده بیکاری به طور نگران کننده ای رو به افزایش است. استمرار چنین عملکردی چه در بعد معیشت فردی شخص بیکار و چه در بعد حیات اجتماعی جامعه، به تخریب اعتبار و ارکان آن می انجامد.

باز هم چهار ماه در سال کارخانه در حالت تعمیرات اساسی قرار داشت بنابراین نباید چنین تلقی کرد که کارخانه به علت نبود مواد اولیه تعطیل شده است.



میزان باری که افراد بر دوش می برند متفاوت است؛ بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلو. یکی از گلایه های باربرها این است که مردم مدام به ما فحش می دهند و غر می زنند که چرا حواست به ما نیست و چرا گاری ات به پای من خورد؟ وسط این شلوغی باید به همه این مسائل توجه کنیم.

پیر مرد سیاه چرده که چهار زانو روی گاری اش سر کوچه مروی نشسته، این را می گوید و دست چپ زخمی اش را که با چسب نواری پوشانده، با دست راستش پنهان می کند: «همین یک ساعت پیش باری را می بردم که لیه کارتن هایش تیز بود و دستم را برید. رویش را با چسب کارتن چسباندم که خونش به لباسم نریزد. همین دو ماه پیش ۱۳۰ هزار تومان هزینش عکس از کمرم را پرداخت کردم. دکتر گفت که ساییدگی مهره دارم. قرص هم می خوردم اما فایده ای نکرد و من هم ادامه ندادم».

می گویند: «با جانقلم در اتاقی ۱۲ متری در یکی از گاز اژه های بازار زندگی می کنم. از سر بیکاری به تهران آمده ایم و ۴۰ روز تهران هستیم و ۲۰ روز شهرستان. محل زندگی مان نزدیک ایلام است» با گلایه از اینکه در آمدش کم است، می گوید: «زمانی حمالی یک کار محسوب می شد اما در حال حاضر درآمد کم است. از صبح تا دم غروب منتظر می مانیم که مشتری پیدا شود. دولت مدام می گوید که شغل ایجاد کرده ام. اشتغال روستایی، وام و... همه و همه حرف است. اکثر اقوام من بیکار هستند. در تهران یا حمالی می کنند یا پیک موتوری هستند».

در میان تمام این کارگران، کاری حدوداً ۴۰ ساله توجه ما را به خود جذب می کند. بسیار با اشتیاق است. با لهجه آذری می گوید محمد هستم و از دشت مغان آمده ام. حدود ۸ سال است که به تهران آمده و با توجه به اینکه در تهران کار پیدا نکردم، مجبور به باربری شدم. قبل از اینکه به تهران بیایم کشاورزی می کردم. اوضاع کشاورزی اصلاً خوب نبود. من ۳ تا پیچه دارم. نمی توانستم خرج آنها را در شهرستان بدهم. برای همین راهی تهران شدم.

در اینجا با پادویی هم می شود کار کرد اما کار و پول در شهرستان کم



بود؛ احتمال اینکه بتوانیم چغندر قند از مناطق سیل زده کرمانشاه خریداری کنیم بسیار کم است. حتی در صورت جذب چغندر قند بهاره و پاییز تا پایان آبان ماه،

بیشتر ایلامی هستیم. در شهر جنگ زده ما کاری نبود و بیشتر از ۲۰ سال رها کرده ایم! صبح زود می آیم و آن قدر این پا و آن می کنیم تا بالاخره یک مشتری به تورمان بخورد و بارش را جابه جا کنیم

چرخ دستش بگیرد و اینجا کاسی می کند و می گوید: «هل ایلام هستم. از ۱۸ سالگی تا الان که ۵۴ سال دارم مشغول این کار هستم. تنها درآمد از همین راه است. میانگین درآمد ماهیانه یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است اما بخشی از این پول باید خرج کرایه خانه شود. همسرم مریض است و بیمه تأمین اجتماعی پول داروها را نمی دهد، به همین دلیل بخشی از حقوق صرف هزینه های درمان می شود».

تعداد زیادی از این کارگران گرد بودند. یکی از آنها می گوید: «بیشتر ایلامی هستیم. در شهر جنگ زده ما کاری نبود و بیشتر از ۲۰ ساله که خانه و زندگی را رها کرده ایم! صبح زود یعنی ساعت ۷ می آیم. آن قدر این پا و آن پا می کنیم تا بالاخره یک مشتری به تورمان بخورد و بارش را جابه جا کنیم. رهگداری، مشتری ثابت بازاری، زن، مرد، بار سنگین، سبک، شکستی، سوختنی و... برای ما فرقی نمی کند. هر چه باشد، بار کولمان یا چرخمان می کنیم و بسم الله. از ۱۰ کیلو تا ۵۰۰ کیلو. کولمان می گیریم یا می گذاریم رو گاری، می کشیم این ور و آن ور. از ساختمان چهار طبقه می آوریم پایین و می بریم بالا».

یکی از این کوله بر ها خودش را اسماعیل معرفی می کند. می گوید آنها یکی که گاری دارند بیشتر باز می زنند و در آمد بیشتری دریافت می کنند اما هزینه بار بسته به انصاف و جیب مشتری متفاوت است. درد ما این است که نه بیمه داریم نه قرارداد و نه درآمد درست و درمان داریم.

«این گذر فقط دوست ها و آشنای خودمان ایستادن. برادر، پدر، پسر، دایی، خواهر زاده، برادرزاده و همشهری با هم ۲۰ نفری می شویم. غریبه راه هم راه نمی دهیم که سر گذر بیاد. شاید دزد باشد یا آدم حسایی نباشد و اعتبار ما را هم زیر سوال ببرد. الکی که نیست هر کسی از راه رسید به

دیگری خودش را محمدمعرفی می کند و می گوید: «هل ایلام هستم. از ۱۸ سالگی تا الان که ۵۴ سال دارم مشغول این کار هستم. تنها درآمد از همین راه است. میانگین درآمد ماهیانه یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است اما بخشی از این پول باید خرج کرایه خانه شود. همسرم مریض است و بیمه تأمین اجتماعی پول داروها را نمی دهد، به همین دلیل بخشی از حقوق صرف هزینه های درمان می شود».

تعداد زیادی از این کارگران گرد بودند. یکی از آنها می گوید: «بیشتر ایلامی هستیم. در شهر جنگ زده ما کاری نبود و بیشتر از ۲۰ ساله که خانه و زندگی را رها کرده ایم! صبح زود یعنی ساعت ۷ می آیم. آن قدر این پا و آن پا می کنیم تا بالاخره یک مشتری به تورمان بخورد و بارش را جابه جا کنیم. رهگداری، مشتری ثابت بازاری، زن، مرد، بار سنگین، سبک، شکستی، سوختنی و... برای ما فرقی نمی کند. هر چه باشد، بار کولمان یا چرخمان می کنیم و بسم الله. از ۱۰ کیلو تا ۵۰۰ کیلو. کولمان می گیریم یا می گذاریم رو گاری، می کشیم این ور و آن ور. از ساختمان چهار طبقه می آوریم پایین و می بریم بالا».

یکی از این کوله بر ها خودش را اسماعیل معرفی می کند. می گوید آنها یکی که گاری دارند بیشتر باز می زنند و در آمد بیشتری دریافت می کنند اما هزینه بار بسته به انصاف و جیب مشتری متفاوت است. درد ما این است که نه بیمه داریم نه قرارداد و نه درآمد درست و درمان داریم.

«این گذر فقط دوست ها و آشنای خودمان ایستادن. برادر، پدر، پسر، دایی، خواهر زاده، برادرزاده و همشهری با هم ۲۰ نفری می شویم. غریبه راه هم راه نمی دهیم که سر گذر بیاد. شاید دزد باشد یا آدم حسایی نباشد و اعتبار ما را هم زیر سوال ببرد. الکی که نیست هر کسی از راه رسید به

باربرها نان بازاری شان را می خورند. آنها که جوان تر و قیصر تر هستند، بار بیشتری حمل می کنند و پول بیشتری می گیرند. آنها بی هم که پا به سن گذاشته اند و گرد پیری در چهره و موهای سپید شان نمایان است با پاهای لـرزان و کمر هاش خمیده از بار زندگی، باز هم کار می کنند اما نمی توانند مانند جوان تر ها فعالیت داشته باشند.

یکی از آنها چرخ باری اش را کنار بقیه چرخ ها ردیف می کند، سری می چرخاند و به مغازه های بسته بازار نگاهی می اندازد و روی بدنه چوبی چرخ دراز می کشد. ساعت حدود ۸ صبح است و همچنان مغازه های بازار بسته است. تمام کارگران چرخي انتظار باز شدن مغازه ها را می کشند. کارگران گاری و کوله بر های بازاری یکی پس از دیگری به پاتوق خود می رسند. همه آنها کتانی های ورزشی به پا دارند و شلوار های کردی به تن. کارگران با نگاه تیز این طرف و آن طرف به دنبال شکار مشتری هستند.

به سراغ یکی از آنها که پیر مردی شهرستانی است می روم. دست های پینه بسته اش را پشتش قلاب کرده و بین گذرها را نگاه می کند. باید همچنان منتظر بماند. از او می پرسیم که چند سال دارد. می گوید ۶۱ سال و خانه اش مرز مهران است: «کاری از دستم بر نمی آید. فقط می توانم با این کوله، بار جابه جا کنم و خرج خودم و زنم را در بیاورم». حوصله ادامه صحبت را ندارد. همکارانش می گویند که ۵ پیچه دارد و مریض و گرفتار است، به همین دلیل توان ایستادن ندارد. پیر مرد بی توجه به حرف ها از ما دور شد و پیاده و را با نگرانی از نبود مشتری بالا رفت. کار گرد دیگری حدود ۳۲ سال سن دارد، روی میله های جنب خیابان نشسته و سیگار روشن می کند. می پرسد که چرا از ما سوال می کنید، چه کاره ایم و...؟

معضل بیکاری در روستاها باعث شده تعداد زیادی از جوانان شهرستانی با پذیرش اشتغال در مشاغل کاریگری و سطح پایین به تهران بیایند و برای امرار معاش خود تلاش کنند. هر چند طرح اشتغال روستایی گامی جدید در ایجاد اشتغال برای روستاییان بود که به اعتقاد کارشناسان اقتصادی تا حد کمی موفق بود اما کم نیستند کارگرانی که به دلیل مشمول نبودن در طرح اشتغال روستایی، بیکار هستند و برای فرار از بیکاری در مشاغل مانند کارگران چرخي، دستفروشی، رانندگی، دوره گردی، نظافت شیشه خودرو پشت چراغ قرمز، کارواش، کارگران خدماتی، آبدارچی و... مشغول هستند. اکثر این کارگران با حقوق های کمتر از وزارت کار و با شرایط سخت و دشواری مانند نبود بیمه، حداقل حقوق وزارت کار، ساعات کاری غیر استاندارد و... فعالیت می کنند.

خبرگزاری تسنیم در این باره می نویسد: سری به خیابان خیام زدیم تا نگاهی به وضعیت فعالیت کارگران چرخي داشته باشیم. تعداد این کارگران نسبت به دو سه سال گذشته افزایش چشمگیری داشته و گویی وضعیت معیشتی و بیکاری به حدی رسیده که کمتر بیکاری برای یافتن شغل صبر می کند. هر کاری می کنند تا بتوانند نانی در بیاورند و خرج معیشت خانواده را تأمین کنند. در میان کارگران چرخي و باربر، افراد سن و سال دار هم به چشم می خورند، یعنی تنها جوان ها نیستند که از سر بیکاری به کاری رجوع کرده اند بلکه کاهش قدرت خرید باعث شده که عده ای صبح تا عصر در تولیدی های مختلف پوشاک در شهر مشغول کاری باشند و عصرها با داشتن یک چرخ باری به قول خودشان بارکشی کنند تا کمک خرج زندگی باشد.

خبر

کارگران شرکت قند شوش تجمع کردند

تعدادی از کارگران شرکت قند شوش روز شنبه (هجدهم آبان ماه) در محوطه این شرکت تجمع کردند. به گزارش ایرنا، این کارگران که تعداد آنها حدود ۵۰ نفر بود از صبح تا ظهر در محوطه این شرکت تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مشکلات و بازگشت به کار خود شدند. یکی از این کارگران در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: حدود ۱۰ روز است که به دلیل نبود چغندر قند ۲ روز در هفته کار می کنیم. وی افزود: مدیریت کارخانه اعلام کرده است تا ۱۰ روز آینده اگر چغندر قند تامین نشود، مابقی کارگران یعنی

حدود ۲۰۰ نفر نیز اخراج خواهند شد. او گفت: کارگران مربوط به بخش های ساتراسیون، واپراسیون، جوشکاری، مکانیکی، برق کاری و انبارداری قطعات هستند. پیشتر مدیرعامل شرکت قند شوش، دلیل تمدید نکردن قرارداد کارگران این کارخانه را تعمیرات اساسی (اورهال) کارخانه عنوان کرده و گفته بود: حدود ۲۰۰ کارگر رسمی این شرکت مشغول کار هستند و فقط کارگران فصلی به علت اینکه نوع فعالیت خود که معمولاً در فصل برداشت چغندر قند وارد مجموعه کارگران می شوند

در شرکت نیستند که پس از شروع مجدد کار تولیدی، کارگران فصلی دوباره به کار گرفته می شوند. علیرضا جانی قربان افزوده بود: در جریان بارندگی های اخیر به محصول چغندر قند مناطقی از استان کرمانشاه خسارت زیادی وارد شد و امکان اینکه بتوانیم فصل پاییز از محل برداشت چغندر قند نیز تولید شکر داشته باشیم را از بین برد. وی با بیان اینکه تولید چغندر قند در کل کشور به علت شرایط خاص آب و هوایی و بارندگی های شدید اخیر حدود ۵۵ درصد نسبت به سال گذشته کاهش داشته؛ گفته